



خادمان زائران خورشید

روایت موکب داران جاده های منتهی به مشهد که این روزها در تلاش هستند تا میزبان شایسته ای برای عزاداران باشند

گزارش روز



مقصود فرمائی

تابستان است و آفتاب تند و تیز و داغ، امامان برگزار می مراسم روزهای آخر ماه صفر نیست. همه چیز مثل سال گذشته است و سال های پیش از آن. داربست های فلزی گوشه به گوشه جاده علم شده اند و پارچه های مشکی دور زانویشان را گرفته اند. همه در حالت آماده باش هستند؛ بچه های قد نیم قد محله، جوان هایشان و موسسید کرده ها، قسم خورده ها، نذر کرده ها، یکی ترمه ها را روی دوش گرفته، نکته سنج و ریزین است و به جزئیات برگزاری مراسم هم دقت دارد؛ اینکه ظاهر موکب، هم به چشم مسافر بنشیند و چشم نواز باشد و هم خستگی اش را بگیرد. دیگری سبداستان را دست به دست می چرخاند و آن یکی پای دیگ ایستاده است. تازه از پیاده روی اربعین برگشته و خستگی راه را نگرفته. آمده است جاده برای پذیرایی از زائران پیاده. همه گوش به زنگ هستند و حواسشان را به کار داده اند تا برای موکبشان آبروداری کنند؛ برای شهرشان، برای خراسانی بودنشان؛ موکب هایی که اگر روزی قصه تولدشان برمی گشت به مراسم عزاداری اربعین حسینی و خدمتگزاری به زائران سیدالشهدا (ع)، حالا دیگر پای ثابت فعالیت های اجتماعی شده اند. سال به سال تعدادشان بیشتر می شود و دامنه فعالیتشان هم گسترده تر؛ از مراسم دینی و مذهبی گرفته تا مناسبتهای دیگر. خیلی از همین آدم هادر تجمعات مردمی خدمت رسانی کرده اند و هویت ساز شده اند.

این قصه ها دست به دست بچرخد

مدام بین صحبت کردن نشان وقفه می افتد. صدایش خط می پیچد. معلوم است دارند دیگران را راهنمایی می کنند: «سماورهای میز روبه رو باشد بهتر است؛ یکی سر این میز را بگیرد؛ تنهایی نمی توانی آن دیگ را برداری و...» حالا این قصه ها باید دست به دست بچرخد؛ قصه آدم های داخل چادرهای بزرگ، آشپزخانه هایی

این گزارش بخش های مختلفی دارد و در روزهای تحریر شده است که همه سخت درگیر کار هستند و وقتی برای گپ زدن ندارند. یک فهرست پر از شماره از موکب داران زیر دستم است. خط ها غالباً اشغال هستند. برخی ها جواب می دهند، اما کوتاه و خلاصه. خیلی ها در همان گپ و گفت کوتاه و مکالمه تلفنی هم در حال راست وریس کردن امور موکب هستند.

برنامه موکب ها بر مدار انتقال پیام امام حسین (ع)



موکب «رضویون» از یک مصوبه ساده شورای اجتماعی محلات برای پذیرایی از زائران پیاده پا گرفت و حالا عمر ده ساله دارد. به قول شم آبادی که کارنامه پروپیمانی از فعالیت های فرهنگی و مسجدی دارد، چفت و بست ایمان برخی جوان ها به همین خدمت کردن در موکب هاست و ما از همین هم استقبال می کنیم و بر ایمان غنیمت است؛ جوان هایی که شاید اعتقادات محکمی در نماز خواندن و دیگر موضوعات مذهبی نداشته باشند، اما طوری گوش به زنگ برای انجام کار در این هیئت امام حسین (ع) و موکب ها هستند که آدم حسرت حالشان را می خورد.

موکب رضویون یکی از مجموعه های خدمت رسان در یکی از ورودی های مشهد است. ستون اصلی این موکب همچنان بر دوش بچه های محله گلشور و محله های اطراف است؛ بچه هایی که با سرمایه شخصی، وقت، تخصص و توان خود چند سال است این مجموعه را می گردانند و برای بهتر شدنش تلاش می کنند.

شم آبادی معتقد است انتقال پیام امام حسین (ع)

یک گروه از موکب ها کاملاً مردمی هستند و هر سال به دست مردم برپا می شوند. یک دسته هم دولتی هستند و سازمانی، اما انگار موکب های مردمی در مناسبتهای مختلف کارکرد و شور و حال و اهمیت بیشتری دارند. همه آن هایی که نامی در این گزارش دارند، به نمایندگی از گروه های مردمی چند نفره صحبت می کنند. به گفته خودشان، این موکب ها صاحب خاصی ندارند و اینکه بگویم فلانی مسئول یا مدیر است و فلان کار را انجام می دهد، یا اگر نباشد کار زمین می ماند، معنادار نیست. این سلسله مراتب در کارهای داوطلبانه جایگاهی ندارد. حجت الاسلام و المسلمین ابوالقاسم شم آبادی امام جماعت مسجد امام جعفر صادق (ع) است. برنامه های موکب رضویون را مدیریت می کند، اما خودش را «خادم» این مجموعه می داند؛ عبارت مشابهی که دیگر برویچه های موکب دار هم تکرارش می کنند. حتی گاهی می خواهند نامی از آن ها نباشد. حق هم دارند. چون کار، گروهی و جمعی است، یا نام همه، یا هیچ کس.

همدلی زیر بیرق امام رضا (ع)



اولایه لای حرف هایش این را تکرار می کند: اینجا خبری از «من و ما» نیست، فقط «خادم امام» بودن است که اهمیت دارد. در سال های اخیر بیش از دویست نفر از دربانان آستان قدس داوطلب شده اند و پایه پای ما کار می کنند.

شاندیزی ادامه می دهد: به عنوان کسی که سال ها در این مجموعه بوده ام، کار کرده ام، گاهی خسته شده ام و گاهی هم نق زده ام، اما باید بگویم شیرین ترین بخش این ماجرا، همین «اجماع» است. هر کدام از این هیئت ها برای خودشان جایگاه و عقبه ای دارند، اما در موکب امام رضا (ع)، همه این اختلاف نظرها یا تفاوت های سلیقه ای، در برابر بزرگی نام امام (ع) رنگ می بازد. هر کسی که از در این ورزشگاه وارد می شود، خودش را زیر بیرق امام رضا (ع) می بیند و همین حس، یک همدلی مثال زدنی ایجاد کرده است. او می گوید: اینجا شاهد صحنه هایی هستم که ایمان را در دلم پررنگ تر می کند. ببینید، فقط نوحه ها نیستند که مقلوب القلوبند. اگر گوشه ای بایستید و از دور هم تماشا کنید، لحظه به لحظه اینجا روزنه های امیدی است که دل آدم را روشن می کنند. خواه ناخواه تحت تأثیر قرار می گیرید و منقلب می شوید. نه اینکه فکر کنید این آدم ها یا خدمتگزاران

یاسر شاندیزی از فعالان موکب امام رضا (ع) است و از مدیریت واحدی حرف می زند که در ورزشگاه امام رضا (ع) برای اسکان زائران رقم می خورد و خروجی آن اسکان زائران و یخت و توزیع روزانه بیش از ۱۰ هزار پرس غذا در دو وعده ناهار و شام است. او پیش از شروع هر صحبتی می گوید: من به تنهایی هیچ نیستم. این گفته دیگر موکب داران هم هست که از حضور داوطلبانی یاد می کنند که برای خدمت در بخش های مختلف حاضرند؛ از تأمین یخ زائران گرفته تا تیم پزشکی که شبانه روزی مراقب سلامت آن هاست. شاندیزی بعد گریزی می زند به هم وطنان نیشابوری مان که برای کمک به نانوائی موکب، خودشان را می رسانند و عاشقانه نان تازه برای زائران به تنور می زنند.

از ادامه روایت او می فهمم نه قد و قواره موکب آن ها در روزهای اول این اندازه بوده است و نه تعداد زائرانی که این سال ها به آن ها خدمت ارائه می شود. شاندیزی صحبتش را با شرح حال خلاصه ای از موکبشان شروع می کند که نام امام رضا (ع) را دارد و شامل هیئتی های چهارده معصوم (ع) شاندیز و محبان الزهرا (ع) مشهد است و کار را اشتراکی و گروهی پیش می برند.

موکب ۷ ساله با پیشینه ۱۷۰ ساله

دنیا پر از قول های فراموش شده و اراده های سست شده است، اما برخی وعده ها فراموش شدنی نیستند. انگار آیندگان متولد نشده خانواده ها، همان جا کنار همان خلوص گذشتگان ما ایستاده بودند و یاد می گرفتند که بعد ها دقیقاً مثل آن ها آستین ها را بالا بزنند و دیگر ها را کنار هم بزنند و خدمت کنند.

رحمانی از هیئت خاوری ها حرف می زند که طایفه ای خاص هستند با رسم و رسوم خودشان و حالا تعداد خدمتگزارانشان بی شمار است. خوش صحبت است. جوری از گذشته تا امروز حرف می زند که همه چیز را به طرز فکشی پیش چشم می کشاند. راحت می توانی لحظه به لحظه خدمت در موکبشان را تصور کنی؛ با همان وسعت چند هزار متری که هر سال داربست می زنند و به بخش های مختلف تقسیم بندی اش می کنند؛ انگار که می خواهند عمری را آنجا بمانند و زندگی کنند. حساب جای خواب و خوراک و استراحت زائران را کرده اند و تیم پزشکی راهم.

مجموعه شبیه آب جوش قل می خورد و جوشیدن به نام امام رضا (ع) قصه و روایت اصلی این موکب است. بزرگی و کوچکی گوشت های قیمه و برنج های خیس شده و دست هایی که خستگی نمی شناسد، بخش کوچک آن است.

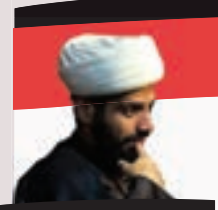
رحمانی این توضیحات را اضافه می کند: موکب از هفت سال پیش پا گرفته، اما وابسته بهیئت صد و هفتاد ساله است و یکی از محل های روضه خوانی در مشهد بوده است. همین اشاره کوتاه یعنی تاریخچه ای غنی و پررنگ دارد. برای همین است با افتخار از آن می گوید. حتی وقتی تعریف حلوای خاص خاوری ها می شود نیز لحن و نوع گفتارش فرق می کند؛ اینکه مخصوص طایفه خودشان است. طبع آن زحمت زیاد دارد، اما رسم است هر سال چندین شبانه روز پای آن وقت می گذارند. می گوید: حلوای خاوری ها بازند است و زائران هر سال سراغش را می گیرند و در موکب های دیگر پیدا

راویان مظلومیت

همین قدر کوتاه و خلاصه اشاره می کند که با کمک برادران بخش صندلی چرخ دار، زائران رضوی را در یک موکب همراهی می کنند. او تأکید می کند که هم قصه گهواره علی اصغر (ع) و هم قصه دانش آموزان شهید میناب باید به آیندگان برسد. ما امسال نیتمان همین است. در کنار خدمت، روایتگر قصه ها هم هستیم.

خادمان موکب ها از کرامات می گویند و از خواب هایی که دیده اند و برای زندگی شان معجزه شده است؛ از اینکه هر سال وجهی تازه از میان این خدمت ها کشف می کنند: «به این گوشه نشینی و این انزوا و این درخود فرو رفتن ها نیاز داریم. هر آدمی نیاز دارد.» قاسمیان این عبارت ها را می گوید. از دربانان حرم رضوی است.

اسکان زائران خودرویی



ما فکر کردیم نوع متفاوت تری کار کنیم و نتیجه این شد

یاد میزبانی عراقی ها در ایام اربعین می افتم و آخر قصه را به آن سمت می کشانم؛ اینکه بومی های عراق به التماس از زائران می خواهند میهمانشان شوند و هر لحظه هر چه بخواهند آماده است؛ از خوراک و آب و جای گرفته تا تعریف از معارف اهل بیت (ع). یادمان باشد و یادشان بگیریم و مراعات زائران شهرمان را بکنیم.

«این روزها و این ایام حلقه وصل آدم ها به هم است. روزهایی است که در ایام سال تکرار نمی شود.» این را حجت الاسلام و المسلمین مجتبی آذربائی می گوید. او به نمایندگی از کسانی حرف می زند که در مسجد المنتظر اسکان زائران خودرویی را عهده دارند و تعریف می کند: با پارکدهای خاص در خیابان های اطراف حرم کشیک می دهیم و زائران خودرویی را که به مشهد رسیده اند، دعوت می کنیم به موکیمان بیایند که داخل مسجد است. دلیل هم برای این کار دارند. می گوید: اسکان و خدمت رسانی برای زائران پیاده زیاد است.